

عیبهای شعر و قافیه

در زبان قدیم شاعران با اضافه چند حرف و کلمه را در شعر بکار آورده بودند مثلاً
لفظ پیکر را لفظ خیر را خیر می استعمل می کردند ولی این اشتباه است و همین عیب شعر
است -

در نظر من اشتباه شعری سه قسمت دارد یکی اشتباه لفظی دوم اشتباه ترکیبی سوم
اشتباه معنوی - اشتباه لفظی آن را میگویند که لفظ را با اشتباه متحمل شده مثلاً یک شاعر
معروف رافعی میگوید -

نه بر مزاج کسی دست یافت پیکری نه در دماغ کسی غلبه کرد قوت خواب
در مصرع نخستین لفظ پیکری، آمده است 'می' با لفظ پیکرنمی آید این اشتباه لفظی است مثلاً
فرخی میگوید -

همی تا بود از مطالع حمل همی تا بود از منازل بطین
در مصرع نخستین اگر بر جای 'مطالع' لفظ 'طوالح' گفته بود خوب تر بود زیرا که برنج حمل
طالع است نه که مطالع و در مصرع دوم از روی علم نجوم کلمه 'بطین' نام یک منزل است

منزلهای قمر - این همه اشتباه لفظی است -

اشتباه ترکیبی اینست که شاعر ترکیبهای فارسی را بشکل دیگر با چند تبدیلی کلمه استعمال میکنند
مثلاً خاقانی در یک شعر میگوید -

غمزه اختر به بست خنده رخسار صبح سر مه گیتی بشست گریه چشم سحاب

در مصرع نخستین ترکیب "خنده رخسار" اشتباه است - ترکیب خنده لبها یا خنده دهان
بکاری برند البته ترکیب "خنده رو" در محاوره استعمال میکنند نه که خنده رخسار می آید سوم
اشتباه معنوی است که در شعر معنی با اشتباه واقع شود مثلاً یک شاعر در مدح یک بادشاه
گفته -

تو نخستین بادشاهی از عجم اندر جهان در شهنشاهی تو شاهار است همچون جم شدی
درین شعر اشتباه در اشتباه است در مصرع نخستین شاعر بادشاه را نخستین بادشاه عجم گفته
حالانکه بیشتر ازین بسیار بادشاهان در عجم آمدند و رفتند از جهان - و در مصرع دوم بادشاه
را به جم تشبیه داده است حالانکه جم (جمشید) سیوین بادشاه عجم بود - این اشتباه معنوی
است -

علاوه ازین چند عیبهها و اشتباهها در شعر فقط برای وزن و درستی قافیه استادان

جائز کرده اند این عیبهها و اشتباهها پائین می نویسیم -

(۱) وصل (۲) قطع (۳) تخفیف (۴) تشدید (۵) قصر و حد (۶) اسکان (۷) تحریک

(۱) قبلاً در باره وصل این اطلاع می رسانم که یک حرف در کلمه از طرف خود اضافه کرده و
معنی آن حرف در شعر نمی گرفتند این چند حرفها اند - الف ب ت ی ش م و مثال الف در -

شعر استاد فردوسی یا بم - استاد فردوسی میگوید -

رسید از پیش لشکر پیشمار
اباژنده پیل ژیاں شش هزار

در مصرع دوم بر جای 'باژنده' 'اباژنده' گفته - اینجا الف زائد است ولی هیچ معنی ندارد فقط برای رعایت وزن آمده است

مثال 'ب' در شعر نظامی گنجوی است

سیاهی بگردار نخل بلند
هراسان از دیده هوشمند

در مصرع نخستین کلمه "بگردار" 'ب' زائد آمده است هیچ معنی ندارد

مثال 'ت' در یک شعر قدسی هست - شعر اینست -

زبانش کرد پاشخ را فرامشت
نهاد از مردی بردیده انگشت

در مصرع نخستین اصلاً لفظ 'فرامشت' است فقط برای رعایت قافیه انگشت که در مصرع دوم آمده است در لفظ 'فرامشت' حرف 'ت' را زیاد کرده است ولی 'ت' اینجا هیچ معنی ندارد -

مثال 'ی' در یک شعر که شاعر معلوم است دیدم -

من ز جناب دور تر یار قریب دیگری
رنج بقسمت من و گنج نصیب دیگری

در آخر هر دو مصرع 'ی' زیاد است هیچ معنی ندارد فقط برای فصاحت شعر و وزن تقطیع آمده است -

مثال 'ش' لطفاً در شعر شیخ سعدی به بین -

کلاه سعادت یکی بر سرش
گلیم شقاوت دگر در برش

در این شعر در هر دو مصرع در آخر 'ش' زائد آمده است اگر 'ش' را بکار نمی آید فصاحت شعر کم میشود -

مثال 'میم' در شعر خاقانی است او گوید -

نی برسر را هشتم مغیلان نی گرد درش سپاه پیلان

در مصرع نخستین کلمه 'را هشتم' 'میم' زائد دارد و هیچ معنی نیست

مثال حرف 'واو' در شعر نظامی بنظری آید

بکشتن تو وادی تو مندیم بده رانچه کشتم برو مندیم

در لفظ 'تو مندیم' و 'برو مندیم' و او زائد است

در شعر خاقانی مثال و او اضافی لطفاً نگاه بفرمائید

زاده سمرغ کیست جز پدر رستم قاتل ضحاک کیست جز پسر آبتین

در مصرع نخستین لفظ 'رستم' درست نیست اصلاً لفظ رستم است این اشتباه است و عیب

شعر است اینجا 'واو' فقط برای وزن شعر آمده است بنا برین عروضیان این را جائز کرده

اند

(۲) عیب دوم که ضد عیب نخستین است قطع است معنی اینست که یک حرف از یک کلمه کم

کردن یا حذف کردن مثال اینست که چون از کلمه 'کبوتر' کوتر میکنند یا از کلمه 'سقیم'

ب حذف لفظی 'سقم' میکنند - خاقانی در یک شعر خود کبوتر را کوتر مستعمل کرده

آنگاه چون عنکبوت و کوتر دربان و رقیب شان بهروز

رافعی در یک شعر میگوید

کدام جان که نگشت از بد زمانه دژم کدام دل که نشد در غم فراق سقم

(۳) تخفیف آن را میگویند که اگر یک جا لفظ مشد در آن مخفف گردانیدن مثلاً کلمه 'تنور'

هم، هم، صفت، دفت با تشدید است و لیکن در فارسی مخفف استعمال کنند - عرفی میگوید

عادت عشاق چیست مجلس غم داشتن حلقه شیون زدن ماتم هم دانستن

(۴) تشدید را ضد تخفیف میگویند مثلاً مخفف را با تشدید مستعمل میکنند مثلاً زر، پر، ...
در د، این همه مخفف اند ولی استادان در شعر با تشدید گفتند چنانچه شیخ سعدی میگوید
وجود مردم دانا مثال زر و طلاست بهر کجا که رود قدر قیمتش دانند

نظامی نیز میگوید

اگر پای پیل ست و گر پر مور بهر یک تو وادی ضعیفی و زور
(۵) قصر و مد آن را گویند که اگر جای الف ممدوده را الف مقصوره کنند مثلاً یک کلمه است
آن خیش آن آخ و آماده را آماده کرده است یک شاعر استادان حکمتی گوید - مصرع این
است

شش جهات و چهار اشخان توئی مقصود

و ضد آن است که کلمه مقصوره را بشکل کلمه ممدوده استعمال کنند مثلاً اصلاً لفظ استر قبا
استر گت یا استر کلاه است ولی سعدی در یک شعر استر را بشکل آستر مستعمل کرده است
شیخ سعدی گوید

شنیدم که فرماندهی دادگر قبا داشتی هر دو رو آستر

(۶) اسکان معنی اینست که حرف متحرک را ساکن گردانیدن مثلاً در یک شعر نظامی میگوید
گشت جهان از نفسش ننگ تر وز سپرش معصفری رنگ تر

اصلاً لفظ معصفر با فتح عین است ولیکن نظامی اینجا عین را ساکن کرد فقط برای وزن شعر
عروضیان این را اجازه کرده اند این اشتباه بار در عیبهای شعر بشمار نمی آید -

(۷) تحریک ضد اسکان است یعنی حرف ساکن را متحرک گردانیدن چنانکه استاد فردوسی
در یک شعر میگوید

بفرمود تا بهمن آمدش پیش سخن گفت با او ز اندازه بیش

علاوه ازین از اشتباه ردیف و قافیه در شعر عیب پیدا میشود بدون گفتگوی ردیف و قافیه این مقاله بنظر من کامل نخواهد شد.

قافیه و ردیف در یک شعر با هم می آیند و چند جا بدون ردیف قافیه آید و شعر صحیح میشود ولی بدون قافیه شعر درست و کامل نخواهد شد فقط ردیف هیچ چیز نیست ردیف محتاج قافیه است - باید قبلاً در باره قافیه بدانیم - قافیه از لفظ قفا بوجود آمد - در فرهنگ قفا بمعنی پشت کردن، پس سر، و در اصطلاح آن کلمه را گویند که در آخر شعر آید و بر آن معنی شعر کامل گردد و چنانکه وزن شعر موقوف بر علم عروض است ولی اینجا میخواهم که واضح بکنم که قافیه از یک حرف یا دو حرف تا شش حرف می شمارند لکن قدیم استادان علم شعر و استادان علم عروض میگویند که کلمه کلی قافیه است لیکن چند استادان میگویند که فقط یک حرف آخر کلمه که آن را حرف روی گویند، قافیه است، و چند استادان دیگر حرف از پیش روی را نیز قافیه می شمارند مثلاً بر، تر، در، در، و در

همین طریق ردیف در فرهنگ بمعنی سواری است که بر یک اسپ سوار نشنید و در اصطلاح شعر ردیف آن کلمه را میگویند که بعد قافیه میآید مثلاً خاقانی گوید -
گردون نمط پلنگ گردد گیتی نفس نهنگ گردد

در مصرع نخستین 'پلنگ' و در مصرع دوم 'نهنگ' قافیه است و در آخر هر دو مصرع کلمه "گردد" آمده ردیف است - شعری که ردیف داشته باشد آن را شعر مردّف (بادال تشدید) گویند و شعری که ردیف نداشته باشد آن را شعر مقفا میدانند مثال شعر مقفا از شعر شیخ

سعدی مینویسم

در اقصای عالم بکشتم بسی بسر بردم ایام باهر کسی

بسی و کسی اینجا هر دو قافیه اند شاعران عرب در شعر ردیف را التزام نمیکنند یا هممین بگویم که عرب شعر مردف نمیگویند فقط شعر مقفای سر ایند ولی در فارسی شعر مردف و شعر مقفا هر دو گویند و در ادبیات و زبان اردو از طریق فارسی بسیار استفاده کرد.

قافیه یک چیز مهم است که بدون این شعر کامل نخواهد شد البته چند نکات در باره قافیه که خیلی اهمیت دارند آن را نیز بیجان میکنم. حد قافیه که این را القاب قافیه نیز گویند پنج قسمت دارد

(۱) متکاؤس (۲) متراکب (۳) متدارک (۴) متواتر (۵) مترادف

متکاؤس یا تکاؤس در فرهنگ بمعنی گروه، انبوهی در اصلاح معنی این جمع شدن بکاری برند. متکاؤس آن قافیه را میگویند که چهار حرف متحرک باشد و یک حرف آخر ساکن شد یا هممین طریق بنویسم این کلمه را فاصله کبری گویند مثلاً شگمنش فگمنش این قافیه متکاؤس در شعر فارسی مستعمل نیست.

متراکب یا تراکب در فرهنگ بمعنی برهم نشتن است و در اصطلاح عروض کلمه چهار حرفی را تراکب گویند قافیه متراکب اینست که قبلاً سه حرف متحرک و حرف آخر ساکن شود و بلحاظ علم عروض این را فاصله صغری خوانند مثلاً فگندشگند

متدارک یا تدارک در فرهنگ بمعنی تلافی کردن، و در یافتن است ولی در اصطلاح در یافتن دو متحرک است بنا برین قافیه متدارک آن را میگویند که قبلاً دو حرف متحرک و حرف آخر ساکن مثلاً زند، کند، در علم عروض این را اوتد مجموع می نامند متواتر یا تواتر در فرهنگ بمعنی یکی بعد دیگری یا پیاپی شدن لیکن در اصطلاح

یک حرف میان دوساکن آید چنانکه قافیه متواتر اینست که یک حرف میان دوساکن
بیآید مثلاً کردی، بردی، اینجا دال "کردی یا بردی" میان دوساکن "را" و "یا" آمده
است -

مترادف در فرهنگ بمعنی پس یک دیگری ولاکن در اصلاح نحو که دوساکن یکجا
آمده اند آن را قافیه مترادف میگویند مثلاً جوشان، خروشان در این هر دو کلمه الف و نون
ساکن آمده است -

این نکته ها برای شعرگویان خیلی اهمیت دارند اگر شاعران این نکته ها را باور
میکند در شعر آنها اشتباه نخواهد شد

